

بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) در شهر اصفهان

مصطفی اقلیما*

اعظم ابراهیم نجف‌آبادی**

چکیده

شادی علت بسیاری از تفکرات و رفتارهای تکامل‌زاست و شادبودن هنری است که از عوارض موجود عصر صنعتی می‌کاهد، اما از دیدگاه علمی و آکادمیک کمتر بدان توجه شده است. این‌که شادی چیست، چه مفهومی دارد، کدام شخص را شاد بنامیم و چه شخصی را غمگین و افسرده (ناشاد)، آیا شادی متغیری است تک‌بعدی یا چندبعدی، همگی، نیازمند مطالعه دقیق و علمی‌اند. شناخت شادی، به‌گونه‌ای علمی، آکادمیک، و عمیق، به‌دلیل تأثیرات فراوان آن در زندگی بشر، ضرورتی انکارناپذیر و مسلم در جهان امروز است و زمینه‌های مطالعاتی و پژوهشی فراوانی را می‌طلبد. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ساله) شهر اصفهان است. روش کار در این پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق کل زنان ۱۵-۲۴ ساله شهر اصفهان است که، به گزارش مرکز آمار این استان، ۲۳۹۰۷۲ نفر هستند. با توجه به پراکندگی جامعه آماری در مناطق شهر اصفهان، حجم نمونه، براساس فرمول کوکران، با خطای ۵ درصد، ۲۰۰ نفر برآورد شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری متناسب در منطقه استفاده شده است؛ به‌طوری‌که نمونه‌ها از هر منطقه و متناسب با جمعیت آن منطقه انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ارتباط سرمایه فرهنگی و شادی مستقیم است و این ارتباط در بعد شناختی، سپس در بعد احساسی، و در نهایت در بعد اجتماعی

* استاد مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) a_ebra2004@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۲۹

شادی قوی تر است. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر در بعد وسایل فرهنگی، سپس مهارت‌های فرهنگی، و در نهایت مدارک فرهنگی است. میانگین احساس شادی در بین زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان ۵۴/۵۳ بوده که به ترتیب بعد احساسی، بعد اجتماعی، و سپس بعد شناختی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سرمایه فرهنگی ۲۷/۵۷ است که براساس نتایج به دست آمده، مهارت فرهنگی دارای بیشترین فراوانی و مدارک فرهنگی دارای کمترین فراوانی است. از سوی دیگر، وسایل فرهنگی دارای بیشترین نابرابری و مهارت فرهنگی دارای کمترین نابرابری در بین زنان جوان است.

کلیدواژه‌ها: احساس شادی، سرمایه فرهنگی، زنان جوان.

مقدمه

از جمله مؤلفه‌های درونی و عاطفی کیفیت زندگی، که نمودی اجتماعی می‌یابد، پدیده شادی است. شادی از جمله هیجانات اولیه و خوشایندی است که باعث انبساط خاطر و آرامش ذهنی فرد می‌شود و از سلامتی عاطفی او حکایت می‌کند. شادی، به‌عنوان یکی از ملزومات روح و جسم انسان، از جمله نیازهای طبیعی بشر است.

همچنین در مورد متغیر دیگر این تحقیق، یعنی سرمایه فرهنگی، می‌توان گفت که کلمه فرهنگ از واژه لاتین *cultus*، به معنای پرستش، گرفته شده و در اصل به معنای بزرگداشت و تجلیل و حرمت است. بعدها این کلمه برای تشریح «فرایند کشت و کار» به کار رفت و بعد از آن به مفهوم «پرورش و تهذیب روح و رفتار» از آن استفاده شد. این مفهوم در قرن نوزدهم برای توصیف روشنفکری و جنبه‌های زیبایی‌شناختی تمدن به کار رفت (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۸۹). از دید یونسکو «فرهنگ کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری، و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد، بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها، و باورهاست» (UNESCO, 1982: 41).

بنابراین فرهنگ (culture)، به‌عنوان وجه تمایز انسان از دیگر موجودات، مفهوم گسترده‌ای است که به نوعی تمامی الگوهای را که در جامعه آموخته می‌شوند و از طریق نهادها منتقل می‌شوند، و تمامی دستاوردها از قبیل زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنت‌ها، و حتی ابزار مادی را دربر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۷۴).

به عبارت دیگر، فرهنگ شامل کلیه ساخته‌ها، پرداخته‌ها، اندوخته‌ها، آداب و رسوم، مقررات و عقاید، هنر، و دانستنی‌های عامه است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (قرائی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۷۴) و از این‌روست که دیدگاه‌های فرهنگی چنین ادعا می‌کنند که آنچه انسان فکر می‌کند، احساس می‌کند، و انجام می‌دهد، به وسیله قلب‌ها و چهارچوب‌های فرهنگی تعیین می‌شود و تفاوت جوامع در میزان برخورداری از شادی را نیز بایستی از فاکتورها و شاخصه‌های فرهنگ در آن‌ها دانست. از این دیدگاه، به دلیل این‌که فرهنگ عامل وحدت‌بخش ارزش‌های اجتماعی است، نظم‌بخش رفتارهای افراد است، و تقویت‌کننده همکاری و روابط آدمیان به‌شمار می‌رود می‌توان چنین فرض کرد که فرهنگ عاملی مؤثر در بروز و ظهور هیجان‌ها و رفتارهای متناسب با وضعیت‌های خاص است. اکمن (Ekman) در این خصوص معتقد است که «در روان‌شناسی، احساسات اغلب عمومی و زیستی‌اند، اما اخیراً روان‌شناسان دارای رویکرد فرهنگی بر نقش معانی عامه (فولکور و احساسات عمومی) در شکل‌گیری یک فرهنگ، که مبتنی بر عقاید، طرز تلقی‌ها، و ارزش‌های خاص است، تأکید کرده، در مواقع مختلف، هیجان‌ها و رفتارهای خاصی را پیش‌بینی می‌کنند» (Diener & Lucas, 2000: 61). با توجه به اهمیت مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی، در یک نگاه کلی، تحلیل‌های متعدد از مقوله شادی را در بافت فرهنگی می‌توان به شرح زیر در سه قسم خلاصه کرد.

الف) معانی فرهنگی شادی

برخی، از جمله کیتایاما (Kitayama) معتقدند که «شادی ممکن است به وضعیت احساسات مثبت، که بیشتر عمومی‌اند و منحصر به محیط یا رخداد خاصی نیستند، اطلاق شود». با این تعریف، «شادی احتمالاً جهانی است و به صورت نامحدود تصور و تجربه می‌شود، اما طرفداران تبیین‌های فرهنگی شادی معتقدند که همین تصور و تجربه در یک بافت فرهنگی و محیطی خاص واقع می‌شود و وابسته به همان بافت و محیطی است که در آن روی می‌دهد» (Uchida et al., 2004: 227). در همین زمینه، باگازی (Bagozzi)، با مطالعه بر روی شدت احساسات خوشایند و ناخوشایند، چنین نتیجه می‌گیرد که تفاوت‌های فرهنگی در تصور از معانی و شاخصه‌های شادی به قدری زیادند که مثلاً احساساتی که در آمریکا همبستگی منفی با یکدیگر دارند، در چین و کره، دارای همبستگی مثبت‌اند. همچنین کیتایاما و همکارانش دریافتند که مردم در فرهنگ مستقل و آزاد (امریکا) ممکن است

به طرف احساسات کاملاً خوشایند یا کاملاً ناخوشایند سوق یابند، اما در فرهنگ‌های وابسته و متکی به هم (ژاپن) ممکن است به ایجاد تعادل بین احساسات مثبت و منفی روی آورند (ibid: 229). همین‌طور تحقیقاتی که درباره فرهنگ‌های متعدد، همانند فرهنگ چین، توسط لو (Lu) انجام شده است، به‌نوعی، مدعاهای تبیین‌های فرهنگی را تأیید می‌کند. لو پژوهشی کیفی را با عنوان «تفهم شادی، دیدگاهی به روان‌شناسی فرهنگی مردم چین» به انجام رساند تا از آن طریق تفکر قشری از مردم چین را درباره شادی مورد مطالعه قرار دهد. در این مطالعه، ۱۴۲ دانشجوی دوره لیسانس در سنین ۱۹-۲۵ ساله انتخاب شده و تفکرات آن‌ها در مورد شادی بررسی شده است. هدف کلی از انجام این پژوهش تعریف شادی از نظر این دانشجویان است. آنچه در خصوص تعریف شادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته این است که آن مفهوم متناسب با نوع فرهنگ محلی حاکم بر زندگی دانشجویان به معانی مختلفی قابل تعریف است. برخی از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های تعریفی که این پژوهش در اختیار قرار می‌دهد عبارت‌اند از:

- شادی یک موقعیت یا یک وضعیت روانی توأم با خشنودی و رضایتمندی است، به‌طوری‌که این وضعیت روانی می‌تواند ناشی از ارضای نیازها و انتظارات باشد. به‌عبارت دیگر، شادی را می‌توان رضایتمندی اجتماعی، روانی، و جسمانی یا رضایتمندی از جریان‌ات زندگی تعریف کرد.

- شادی یک هیجان یا یک طبع (nature) مثبت است که باعث برانگیختگی فرد می‌شود و نوعی احساس آرامش (relaxation) و گرمی (warmth) خاص برای فرد به ارمغان می‌آورد.

- شادی یک حالت روانی است که موجب سازگاری، همسازی، و هماهنگی فرد با محیط می‌شود. همچنین شادی تعادلی بین جسم و روح است یا توانایی ایجاد تعادل بین ایده‌آل‌های فردی و واقعیات اجتماعی، روان‌شناختی، و جسمی.

- شادی نوعی احساس موفقیت و امید به رهایی از هرگونه بیماری جسمی و روانی و نگرانی‌ها و سختی‌هاست. این وضعیت اغلب زمانی اتفاق می‌افتد که اهداف فرد محقق و پاداش‌های لازم برای او در نظر گرفته شوند. این دیدگاه اغلب معطوف به آینده است؛ به این معنی که شخص در زندگی کنونی خود احساس خوبی دارد و امیدوار است که چنین احساسی در آینده نیز ادامه یابد؛ می‌توان گفت شادی رضایت از شرایط حاضر و امیدواری به پیشرفت در آینده است. این چیزی است که در فرهنگ چین، کنفوسیوس، تائوئیسم، و بودیسم نیز بر آن تأکید می‌کنند.

- شادی یک وضعیت سازگاری منطقی با بقا و هستی است، به طوری که از آن طریق شخص:

از ارضای نیازها و انتظارات راضی و خشنود است؛
روابط شخصی و اجتماعی مناسب دارد؛
احساس خودشکوفایی و عزت نفس (self esteem) می‌کند؛
به مقولات معنوی بیش از مقولات مادی اهمیت می‌دهد؛
یک چشم‌انداز مثبت در زندگی خود مجسم می‌کند، شکاف بین واقعیت‌ها و ایده‌آل‌ها را می‌پذیرد و برای کاهش آن شکاف تلاش می‌کند؛
احساس توانایی می‌کند؛ یعنی توانایی برای ایجاد و کشف موفقیت در زندگی (Lu, 2001: 417-419).

ب) انگیزه‌های اصولی ایجاد شادی

اگر معنای شادی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد، احتمالاً انگیزه‌هایی که بر شادی دلالت می‌کند نیز متفاوت خواهد بود. در فرهنگ‌هایی که شادی به موقعیت‌ها و پیشرفت‌های شخصی تعبیر می‌شود، اشخاص احتمالاً انگیزه‌های زیادی دارند تا ویژگی‌های شخصی‌شان را به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر شادی‌شان تثبیت کنند. اما، در مقابل، در فرهنگ‌هایی که شادی تحقق هماهنگی‌های اجتماعی (social harmony) تعبیر می‌شود، تمایلات بسیار کمی در جهت انتساب شادی به موقعیت‌های فردی وجود دارد و شادی بیشتر حول هارمونی‌های اجتماعی می‌چرخد. مثلاً تحقیقات بر روی ادبیات، محرک‌ها، و انگیزش‌های فرهنگ‌های متفاوت نشان می‌دهد که امریکایی‌ها بیشتر از آسیایی‌ها علاقه‌مندند تا خصایص درونی و شخصی مثبت و خوشایند (همانند موقعیت) را به عنوان مقوله‌ای که برای آن‌ها شادی‌آور است تثبیت و تصدیق کنند (Kitayama) و، به همین دلیل، بیشتر سعی می‌کنند تا شادی‌های شخصی به دست آورند. در عوض آسیایی‌ها بسیار تهییج می‌شوند تا اشکال جمعی و گروهی (عمومی) شادی را تجربه کنند. مورلینگ (Morling) در پیمایشی بین فرهنگی، مشخص کرد که زنان حامله ژاپنی بیشتر از هم‌تایان امریکایی‌شان می‌کوشند تا به نصایح، عقاید، و قضاوت‌های دیگران - همانند همسر، والدین، و پزشک خود - اعتماد داشته باشند؛ بنابراین به تأیید دیگران نیز بیشتر نیاز دارند. همین مراقبت، حمایت، و تأیید دیگران به طور مستقیم در شادی آنان تأثیرگذار است (Uchida et al., 2004: 222-230).

ج) همبسته‌های فرهنگی شادی

متناسب با معانی فرهنگی شادی و متناظر با انگیزه‌های اصولی آن، به نظر می‌رسد مجموعه فاکتورهایی که شادی را تبیین می‌کنند نیز در هر فرهنگی متفاوت است. مثلاً داینر (Diener, 2000) در پژوهش خود بر روی ۳۱ کشور نشان داد که عزت نفس در فرهنگ‌های فردگرا، نسبت به فرهنگ‌های جمع‌گرا، ارتباط بیشتری با سطح شادی و رفاه افراد دارد و، در کشورهای جمع‌گرا، فاکتورهای شادابی بیشتر حول ساختارها و بافت‌های اجتماعی - فرهنگی همانند: تطابق با فرم‌های اجتماعی تأمین تعهدات و الزامات خویشاوندی و ... می‌چرخد. همچنین مطالعات انجام‌شده در امریکا و اروپا نشان می‌دهد که وقتی افراد به اهداف و موفقیت‌های شخصی نائل می‌شوند احساس شادی می‌کنند، اما در کشورهای آسیایی زمانی احساس شادی افراد مورد مطالعه افزایش می‌یابد که به اهداف و موقعیت‌های شخصی، همانند اهداف اجتماعی، اهداف خانوادگی، و ... می‌رسند. به عبارت دیگر، در این کشورها، شادی تابعی از اهداف موفقیت‌آمیزی است که کمتر شخصی و مستقل اند (ibid: 231-232).

به بیانی دیگر، هیجانانگیز و کنش‌های انسان‌ها متناسب با الگوها و رفتارهای فرهنگی، سرمایه‌های فرهنگی، و به طور کلی نگرش‌ها و ایستارهای فرهنگی‌ای که منجر به سلیقه‌ها، مهارت‌ها، و به طور کلی شیوه زندگی متفاوت می‌شوند، متغیر و متعدد است.

بیان مسئله

از مهم‌ترین هیجانانگیز و مثبت شادی است که، به دلیل تأثیرات فراوان آن، بسیاری از ملل به نوعی درصدد ایجاد جامعه شادند؛ زیرا شادی، به عنوان نتیجه شرایط مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه، فعالیت‌های مفید انسانی را برمی‌انگیزد و خلاقیت را تقویت می‌کند. همچنین شادی روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، مشارکت سیاسی - اجتماعی را رونق می‌بخشد، موجبات حفظ سلامتی عاطفی، روانی، جسمی، و امیدواری را فراهم، (آل یاسین، ۱۳۸۰: ۸) و احساس امنیت، آرامش، و قدرت تصمیم‌گیری را در افراد تقویت می‌کند (Mayers, 2000: 56). علاوه بر این‌ها، شادی احساس نزدیکی به دیگران (علاقه‌مندی)، دوست‌داشتن، و اعتماد را برمی‌انگیزد و موجب افزایش کیفیت تعامل با دیگران می‌شود (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۲۸). پیامدهای این هیجان‌چنان در جامعه بارز و آشکار است که مزلو، یکی از نظریه‌پردازان مشهور در حوزه روابط انسانی، مؤلفه و شاخصه

اصلی انسان‌هایی را که در راستای خودشکوفایی، کمال، و توانمندی‌های خویش تلاش می‌کنند، احساس شادی آنان می‌داند؛ به‌طوری‌که کمبود و فقدان آن افسردگی، بدبینی و ارزیابی منفی از رویدادها، بی‌علاقگی به اجتماع و کار، کم‌رنگ‌شدن وجدان‌کاری، ناهنجاری‌های اجتماعی، رواج خشونت در روابط اجتماعی، و ... را به بار می‌آورد (طاهریان، ۱۳۸۱: ۴).

از آن‌جا که شادی از یک‌سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه است و از سوی دیگر بر فرایند توسعه و تعالی جامعه تأثیرگذار است، در نیمه قرن ۲۰، به‌عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شد و در این راستا برخی مطالعات فراملیتی نیز به انجام رسید؛ به‌طوری‌که، براساس پژوهشی در سطح بین‌المللی، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ سطح شادی در ایران، در دامنه تغییرات ۰-۱۰، ۶، انحراف معیار (نابرابری شادی) آن برابر ۲/۷، و رتبه ایران در بین ۹۵ کشور مورد مطالعه ۵۱-۵۳ بوده است (WDH: World Database of Happiness. Eur. IN. Rank Report 2006). بنابراین لزوم توجه به این پدیده و مطالعه بافت‌های اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن در ایران ضرورت می‌یابد و از آن‌جا که مطالعه کل جامعه گستره وسیعی از امکانات، توانایی‌ها، و فرصت‌ها را می‌طلبد، به‌دلیل فقدان این امکانات و همچنین افزایش ژرفای مطالعاتی و پژوهشی، مطالعه در سطح خردتر، و به‌ویژه در شهرهایی که دارای ویژگی‌هایی خاص به‌لحاظ فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی (همانند اصفهان) هستند، ضرورتی ویژه می‌یابد.

همچنان‌که برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند، در شهر اصفهان، روند توسعه تاحدی نامتوازن، ناپدار، و یک‌سویه است و توجه کم به ابعاد اجتماعی توسعه، کم‌رنگ‌بودن راهبردهای عدالت توزیعی در جریان رشد اقتصادی و مقوله برابری در فرایند توسعه موجب شده است که، در عین ایجاد و بهبود امکانات، ظرفیت‌های اجتماعی به همان اندازه توسعه پیدا نکند و شهر اصفهان به‌لحاظ دارا بودن سرمایه اجتماعی در بین شهرهای استان رتبه آخر را به خود اختصاص دهد (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۴۰۳-۴۰۵) و میزان بالایی از نابرابری اجتماعی و احساس نابرابری نیز در بین شهروندان پدید آید، به‌طوری‌که در راستای مقوله نابرابری ۴۷/۱ درصد شهروندان در معرض نابرابری اقتصادی بالا و بسیار بالا، ۶۴/۵ درصد در معرض نابرابری سیاسی بالا، ۵۶/۶ درصد دچار نابرابری جنسیتی بالا و بسیار بالا، و ۲۹/۳ درصد نیز در معرض نابرابری و تبعیض شغلی بالا و بسیار بالا قرار دارند (هاشمیان‌فر، ۱۳۸۶: ۲۷۶).

توسعه فرایندی چندبعدی است. هدف از توسعه رسیدن به وضعیتی است که در آن، ضمن افزایش منابع ارزشمند جامعه، دسترسی اکثریت جامعه به آن منابع افزایش پیدا کند و امکان استفاده شهروندان از آن منابع، امکانات، و فرصت‌ها مهیا شود؛ به طوری که براساس مجموعه مباحث انواع توسعه و شادی از دیدگاه اندیشمندان، دسترسی عادلانه و استفاده از منابع و امکانات متعدد در یک جامعه می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد هیجانات خوشایند، به‌ویژه شادی، در افراد جامعه داشته باشد.

بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات است که:

- آیا میزان سرمایه فرهنگی بر میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان تأثیر می‌گذارد؟

- شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان به چه میزان است؟

ضرورت تحقیق

پویایی و تحرک جامعه تا حد زیادی به فراوانی عناصر شادی‌آفرین مشروع و کاهش اضطراب، افسردگی و غم در جامعه بستگی دارد (طریقه‌دار، ۱۳۷۹: ۱۲). نقش شادی در زندگی افراد جامعه به‌حدی زیاد است که متفکر اجتماعی، راسکین (Ruskin)، معتقد است ثروتمندترین کشورها کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۳)؛ بنابراین شادی موهبت بزرگی است که باید آن را جست‌وجو کرد، غنیمت شمرد، و به دیگران نیز منتقل کرد.

لزوم پرداختن به مقوله شادی و عوامل ایجادکننده آن از آن‌جا ناشی می‌شود که جامعه از کمبود یا حتی در مواردی از نبود آن در رنج است و، به اعتقاد برخی کارشناسان، هم‌اکنون نشانه‌های صریحی از کمبود شادی و طراوت در افراد جامعه به چشم می‌خورد (طاهریان، ۱۳۸۱: ۴). بنابراین، به دلیل تأثیرات همه‌جانبه و دامنه‌دار شادی در توسعه و تقویت زمینه‌های رشد و تعالی و ایجاد مشکلات عدیده روانی-اجتماعی در صورت کمبود یا فقدان آن، در نظر گرفتن این مقوله در سیاست‌گذاری‌ها، مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی آن است.

مروری بر ادبیات پژوهشی داخل و خارج از کشور

بررسی واژه‌های مربوط به حالات احساسی نشان‌دهنده این است که، اگر چه

احساسات خوشایند در زندگی انسان اهمیت زیادی دارند، ولی روان‌شناسان به احساسات ناخوشایند بیشتر پرداخته‌اند. یک بررسی رایانه‌ای در چکیده‌های مقالات روان‌شناختی (psychological abstracts)، از سال ۱۸۸۷ تا ۲۰۰۰، نشان داد تعداد مقاله‌های مربوط به «خشم» ۸۰۷۲، «اضطراب» ۵۷۸۰۰، و «افسردگی» ۷۰۸۵۶ مورد بوده است؛ درحالی‌که تعداد مقاله‌های مربوط به احساس «خوشی» و «لذت» (joy) ۸۵۱، شادی (happiness) ۲۹۵۸، و «رضایت از زندگی» (life satisfaction) ۵۷۰۱ مورد نشان داده است. در این بررسی‌ها، نسبت توجه به احساسات منفی به احساسات مثبت ۱۴ به ۱ است. در راستای مطالعه احساسات و هیجانات مثبت، اولین پژوهش تجربی در مورد «موضوعات مربوط به شادی» در سال ۱۹۱۲ بین دانش‌آموزان انگلیسی و در یک مدرسه پسرانه انجام شد؛ این مطالعه بر سطح لذت‌گرایانه (hedonistic level) دانش‌آموزان متمرکز شده بود. در سال‌های بعد از آن نیز، چند مطالعه دیگر در امریکا در مورد سطح لذت دانش‌آموزان به انجام رسید. بعد از جنگ جهانی دوم تعداد پژوهش‌های مربوط به شادی افزایش یافته و، در این پژوهش‌ها، توجه محققان از سطح لذت به میزان کلی شادی تغییر کرده است (عابدی، ۱۳۸۱: ۸۳).

در توضیح چنین تحولی در زمینه مطالعات مربوط به شادی، باید گفت که چنین مطالعاتی در قرن ۱۹ به صورت محدود مطرح گردید، اما در قرن ۲۰ این امر با تلاش‌های بیشتر پیگیری شد؛ به طوری که این تلاش‌ها موجب اصلاحات اجتماعی شد و بر توسعه رفاه مردم تأثیر بسیاری گذاشت.

در نیمه قرن ۲۰، موضوع شادی به عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شد؛ البته بسیاری از پژوهش‌هایی که در زمینه شادی انجام شد تحت عنوان کیفیت زندگی (quality of life) بررسی می‌شدند و شادی به عنوان یکی از ابعاد درونی کیفیت زندگی مطرح می‌شد، زیرا پژوهش‌های مربوط به کیفیت زندگی از یک طرف به دنبال تعریف زندگی خوب بودند و از طرف دیگر این مطلب را بررسی می‌کردند که در عالم واقع به چه اندازه مفهوم «خوب» تحقق‌پذیر است. سرآغاز پژوهش‌های مربوط به کیفیت زندگی، که هم‌زمان با عصر شکوفایی دانش و تفکر بشری بود، با این تفکر نمود یافت که هدف زندگی در خدمت به سلاطین و خداوندان تعریف نمی‌شود، بلکه هدف از زندگی، خود زندگی است و به همین دلیل مقوله خودشکوفایی (self-actualization) و شادی انسان نیز

ارزشمند تلقی شد و جامعه به عنوان ابزار فراهم سازی زندگی خوب و شاد شهروندان به حساب آمد (مرادی، ۱۳۸۳: ۱۴).

از میان پژوهش های خارجی می توان به پژوهشی اشاره کرد که با تلاش تکاچ و لیوبومیرسکی، با عنوان «مردم چگونه شادی را تعقیب می کنند: ویژگی های شخصیتی، استراتژی های افزایش شادی و بهزیستی (well-being)»، انجام شده و مبتنی بر ارائه راهبردهای لازم جهت افزایش شادی است. در این مطالعه، ۵۰۰ دانشجوی دوره لیسانس پیشنهادهای خود را در خصوص افزایش میزان شادی ارائه دادند و محقق، پس از تجزیه و تحلیل تمام نظریات، در نهایت هفت عامل را برشمرد که عبارت اند از: همبستگی اجتماعی و عضویت در نهادهای رسمی و غیر رسمی؛ گردش و تفریح با خانواده و دوستان؛ کنترل های روانی و تسلط بر اعصاب؛ تعقیب و دستیابی به اهداف مورد نظر؛ اوقات فراغت فعال و غیر فعال (اوقات فراغت پویا و منفعل)؛ عمل به دستورات مذهبی و آرامش در سایه آنها؛ تلاش و کوشش در جهت احراز مهارت های لازم به منظور ایجاد شادی.

سپس محقق، با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه، به تبیین عوامل پرداخته است و نتیجه می گیرد که ژنتیک میزان شادی را در انسان ها تعیین نمی کند، بلکه رفتارهای ارادی شادی پدید می آورند و براساس راهبردهای اصولی و به کارگیری انواع مهارت های اساسی می توان شادی را ایجاد کرد (Tkach & Lyubomirsky, 2006: 183-225).

همچنین وایک برواح (Borooah) تحقیقی با عنوان «چگونه مردم شاد می شوند: ارائه برخی مستندات از ایرلند شمالی» انجام داد که پژوهشی پیمایشی بین ۳۰۰ نفر (پاسخ گو) در ایرلند شمالی است و به نوعی برخی از متغیرهای اجتماعی - اقتصادی را مطالعه و بررسی می کند. هدف اصلی پژوهش، تبیین وضعیت شادی و تعیین عوامل مؤثر بر بروز آن در بین مردم است. در این راستا، محقق بین عوامل عینی (objective factors) (درآمد، وضعیت ازدواج، محیط زندگی، سلامتی جسمی، کیفیت همسایگی، سن، شغل، سطح آموزش و مهارت، و ...) و عوامل ذهنی (subjective factors) (رضایت از استانداردهای زندگی، نگرانی ها و اضطراب های مادی، تجربه فقر، سرمایه اجتماعی، سلامت روانی، ...) تمایز و تفکیک قائل شده و معتقد است که در تبیین توأمان عوامل ذهنی و عینی، فاکتورهای عینی بر شادی افراد تأثیرگذار است، اما اثر مقولات ذهنی، به ویژه رضایت از استانداردهای زندگی، بیشتر و قوی تر است.

در بین پژوهش‌های داخلی نیز، می‌توان به پایان‌نامه کبری تقی‌زاده با عنوان «بررسی رابطه رضایت شغلی با شادی و سرزندگی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان» اشاره کرد. روش این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی، است و جامعه آماری آن ۴۵۴ نفر عضو هیئت علمی است که از این تعداد ۸۰ نفر از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، متناسب با حجم، انتخاب شده‌اند. یافته پژوهش نشان می‌دهد که بین شاخص‌های ماهیت کار، همکاران، حقوق، فرصت‌های ارتقا و ترفیع، رضایت شغلی، و شادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، اما بین سن، جنس، سابقه کار، وضعیت تأهل، و مرتبه علمی رابطه‌ای وجود ندارد (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: چکیده).

اهداف تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان و نیز تعیین میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان انجام شده است.

چهارچوب نظری تحقیق

شادی، به لحاظ تاریخ مطالعاتی، مفهومی نوپاست، به همین دلیل و نیز به دلیل تنوع و تعدد مناظر ارائه تبیین‌های دقیق و نسبتاً قوی، امری دس‌نیافتنی است. به هر روی، این مفهوم، از یک سو، به صورت‌های مختلف تعریف شده و، از سوی دیگر، رویکردهای متعدد، هر چند سطحی، در تبیین ظهور و بروز آن وجود دارند. این تنوع تئوریک نسبتاً سطحی به گونه‌ای است که امکان انتخاب یک نظریه ژرف و تقریباً مسلم و ارائه چهارچوب نظری نسبتاً دقیق از عوامل همبسته با آن را از پژوهشگر سلب کرده است.

برای ارائه تعریفی از شادی، باید توضیح داد که در پژوهش حاضر تعریف شادی ملهم از تقسیم‌بندی وینهون، جامعه‌شناس هلندی، است که کیفیت زندگی را به کیفیت بیرونی و درونی زندگی تقسیم می‌کند و رضایت از زندگی را به رضایت بادوام و زودگذر و همچنین رضایت کلی و بخشی تقسیم می‌کند و به توضیحات مفصل در این زمینه می‌پردازد که در ابتدای بحث شادی مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، نظریات کسانی چون برادیون، موریس، گلاتزر، ولسچ، سامنر، اوت، آرگایل و کروسلند،

پل مارتین، ادینگتون و شومن، و ... و به‌ویژه داینروساه، به‌عنوان نظریه مکمل در ارائه شادی، مورد نظر بوده است. بر این مبنا، در پژوهش حاضر، شادی را می‌توان به ارزیابی مثبت افراد از کلیت زندگی یا بخش‌های متعدد آن (رضایت از کلیت زندگی و بخش‌های آن)، بروز صفات و عواطف (احساسات) خوشایند روانی (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، احساس ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهن، خوش‌بینی، و ...)، و در نهایت ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی در افراد تعریف کرد و، در این راستا، شخص ارزیابی مثبت براساس قضاوت در مورد زندگی خود به‌دست می‌آورد، احساس خوشایند و مثبت نسبت به آن پیدا می‌کند، سپس علائم اجتماعی مثبت بروز می‌دهد.

سرمایه فرهنگی و شادی

سرمایه، بسته به عرصه‌ای که در آن عمل می‌کند، به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: الف) سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید؛

ب) سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی (educational qualifications) درآید؛

ج) سرمایه اجتماعی که از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) ساخته شده و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

در خصوص سرمایه فرهنگی شایان ذکر است که رضانی (۱۳۸۴) در پژوهشی انواع سرمایه فرهنگی را از نظر بورديو تشریح کرده است که این موضوع، با اعمال برخی تغییرات، در این جا ارائه می‌شود. در این تقسیم‌بندی، بورديو معتقد است که انواع سرمایه فرهنگی به سه صورت تجلی می‌یابد:

سرمایه فرهنگی تجسم یافته (embodied)

این سرمایه با شخصی که در او تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد. سرمایه تجسم یافته نوعی ثروت بیرونی است که بخش جدایی‌ناپذیر از فرد است. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه تولد می‌نامد و می‌توان آن را از طریق هدیه، خرید، یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه به‌صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم

تجلی می‌یابد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). به عبارتی، این سرمایه‌بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند یا توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد و در او تثبیت شده‌اند (نوغانی، ۱۳۸۲: ۱۸).

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته (objectified)

لازمه سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، وجود سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته است؛ یعنی باید امکانات لازم همراه با افراد واجد شرایطی که لازم و ملزوم یکدیگرند شکل بگیرند تا از طریق آن سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته نمود یابد. این نوع سرمایه فرهنگی از بدیهی‌ترین و آشکارترین انواع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و بیشتر در کالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد، و از ویژگی‌های بارز آن قابل انتقال بودن است. بدین جهت این نوع سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است. به‌طور خلاصه شاید بتوان گفت که به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند (رمضانی، ۱۳۸۴: ۲۸).

سرمایه فرهنگی نهادی (insitutionalized)

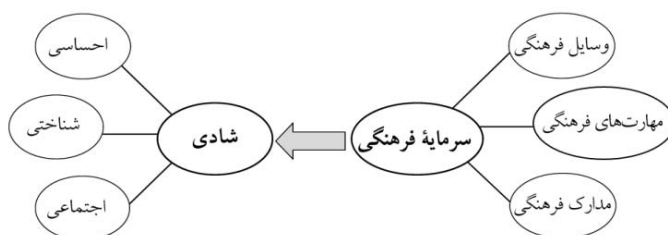
این نوع سرمایه فرهنگی از یک طرف وابستگی و ارتباط متقابل قوی با نوع اول سرمایه (تجسم‌یافته) دارد و لازمه آن قبل از هرچیز وجود افراد مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی، دانشگاهی، یا آموزشگاهی است. از طرف دیگر وابسته به نهادهایی است که هم آن مدارک را صادر می‌کنند و هم به آن‌ها رسمیت می‌بخشند. این نوع سرمایه با قوانین و مقررات نهادینه‌شده حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند، مثلاً مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه، و ... به عبارت دیگر این نوع سرمایه مرتبط با مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت‌شده است و به دارنده آن مدارج ارزشی متعارف، قانونی، دائمی، و ضمانت‌شده اعطا می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۶). احراز مدارک تحصیلی یا اعطای تمایز نهادی به سرمایه فرهنگی این امکان را پدید می‌آورد که صاحبان این صلاحیت‌ها با هم مقایسه و حتی (با نشاندن یکی به جای دیگری) مبادله شوند.

آنچه بوردیو در مبحث سرمایه فرهنگی بر آن تأکید می‌کند این است که طبقات بالای جامعه فقط امکانات اقتصادی و به تبع آن سلطه سیاسی را در اختیار ندارند، بلکه

این طبقات سرمایه فرهنگی را نیز در اختیار دارند. به نظر می‌رسد کاربرد سرمایه فرهنگی از دید بورديو بیشتر از این جهت بود که طبقه‌ای که از امکانات مختلف فرهنگی برخوردار است، همانند سرمایه اقتصادی، دائماً به تجدید سرمایه فرهنگی می‌پردازد. طبقه بالای جامعه، با داشتن امکانات اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی و از طریق آموزش و پرورش، به بازتولید فرهنگ می‌پردازند، سرمایه فرهنگی خود را افزایش می‌دهند، و از طریق سرمایه فرهنگی شیوه رفتار، گفتار، و نحوه عمل اجتماعی خود را از دیگر طبقات اجتماعی جدا می‌کنند. از این رو سرمایه فرهنگی تعیین‌کننده سطح وجهه و اعتبار فرهنگی سطوح مختلف طبقاتی در جامعه است. بورديو در تکمیل این مدعا معتقد است، همان‌طور که گروه‌های اجتماعی در سرمایه مادی خود با یکدیگر تفاوت دارند، در سلیقه‌ها، مهارت‌ها، و مجموعه اطلاعاتی که برای رمزگذاری و تفسیر موقعیت‌های اجتماعی چون تحصیل، کار، و ... از آن‌ها استفاده می‌کنند نیز متفاوت‌اند و میزان تفاوت و تمایز آن‌ها در سبک زندگی و فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت ظهور می‌کند و سبب می‌شود افرادی که سرمایه فرهنگی کمی دارند، نسبت به کسانی که از این نظر غنی هستند، دارای شیوه زندگی متفاوتی باشند (رمضانی، ۱۳۸۴: ۴۲). به عبارت دیگر، از نظر بورديو، الگوهای مصرف فرهنگی به نوعی طبقات اجتماعی مختلفی را بازتولید می‌کند. علاوه بر الگوهای فرهنگی، این موقعیت اجتماعی مبتنی بر میزان بهره‌مندی فرد از سرمایه اقتصادی نیز هست؛ به طوری که درجه دسترسی به منابع مادی (سرمایه اقتصادی) و منابع ذهنی و سمبلیک (سرمایه فرهنگی شامل سطح تحصیلات و ... یا مالکیت محصولات فرهنگی و ...) سهم سرمایه یک فرد را تعیین می‌کند و، چون دسترسی به این منابع در میان افراد برابر نیست، یک سلسله‌مراتب اجتماعی از گزینه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی عامه‌پسند و نخبه‌پسند ظهور می‌کند، به طوری که می‌توان با ملاحظه ذائقه افراد طبقه اجتماعی آن‌ها را حدس زد (شکوری، ۱۳۸۳: ۲۲). از سوی دیگر، سرمایه فرهنگی افراد زمینه‌های ارزیابی و تفسیر متفاوت رویدادها و، به عبارت دیگر، دانش‌های متفاوتی را برای آنان فراهم می‌کند که این مقوله براساس دیدگاه‌های شناختی - که بروز و ظهور هیجان‌ات را تولید تفکر انسان، نوع تفسیر او از رویدادها، و به طور کلی بازتاب نوع ادراک او از وقایع می‌دانند - هیجان‌ات متفاوتی در افراد و گروه‌های مختلف ایجاد می‌کند. بنابراین میزان دسترسی افراد به سرمایه‌های فرهنگی موجب احراز نوع خاصی از سبک زندگی توسط آن‌ها می‌شود؛

به‌طوری‌که سبک زندگی افراد مجموعه تفکرات، تفاسیر، و ادراکات اشخاص را تشکیل می‌دهد و بر بروز هیجانات خاص (شادی، غم و ...) مؤثر واقع می‌شود.

مدل تحلیلی



فرضیه‌های تحقیق

- هرچه میزان سرمایه فرهنگی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان بیشتر باشد، میزان شادی آن‌ها نیز بیشتر است.
- بین دارا بودن انواع مهارت‌های فرهنگی و شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان رابطه وجود دارد.
- بین دارا بودن انواع وسایل فرهنگی و شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان رابطه وجود دارد.
- بین دارا بودن انواع مدارک رسمی فرهنگی و شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

- در این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده شده است.
- جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان ۱۵-۲۴ ساله ساکن شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ هستند.
- براساس آمار گزارش شده‌ای که وجود دارد:
- تعداد زنان ۱۵-۱۹ ساله شهر اصفهان ۹۶۳۵۰ نفر است.

۱۶ بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان ...

تعداد زنان ۲۰-۲۴ ساله شهر اصفهان ۱۱۸۵۷۵ نفر است.

تعداد زنان ۱۵-۱۹ ساله حومه اصفهان ۱۱۶۵۳ نفر است.

تعداد زنان ۲۰-۲۴ ساله حومه اصفهان ۱۲۴۹۴ نفر است.

تعداد کل زنان ۱۵-۲۴ ساله شهر اصفهان ۲۳۹۰۷۲ نفر است. (مرکز آمار استان اصفهان)

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

با توجه به پراکندگی جامعه آماری در مناطق شهر اصفهان، حجم نمونه براساس فرمول $(pq)^2/d^2$ کوکران، با خطای ۵ درصد (خطای جوابگویی)، و $d = 7\%$ (دقت احتمالی مطلوب)، با فرمول $N = 200$ نفر برآورد شده، در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری متناسب در منطقه استفاده شده است؛ به طوری که نمونه‌ها از هر منطقه و متناسب با جمعیت آن منطقه انتخاب شده‌اند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابزار سنجش در این پژوهش پرسش‌نامه بوده، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۱/۵، انجام شده، و برای توصیف صفات کیفی به محاسبه درصد و توزیع فراوانی، و برای توصیف صفات کمی به محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی پرداخته شده است. در نهایت برای روابط متغیرها نیز از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون خطی دوگانه و چندگانه، تحلیل واریانس، آزمون تفاوت میانگین‌ها، تحلیل مسیر، و ... استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و متغیرهای به کار رفته

تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)

همان‌گونه که در مبانی نظری پژوهش نیز گفته شد، سرمایه فرهنگی یعنی دارایی‌های فرهنگی، اعم از دارایی‌های مادی و معنوی است که موجب شکل‌گیری اندیشه، رفتار، و به‌طور کلی سبک خاصی از زندگی در افراد می‌شود. این مفهوم از سه بعد تجسم‌یافته، عینیت‌یافته، و نهادی تشکیل شده است. گویه‌های مرتبط با هر کدام از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) بعد تجسم‌یافته (مهارت فرهنگی)

- آیا در هنری خاص (موسیقی، نقاشی و ...) مهارت دارید؟
- آیا در رشته علمی خاصی به مطالعه و تحقیق می‌پردازید؟
- آیا به‌طور مستمر ورزش حرفه‌ای خاصی انجام می‌دهید؟
- آیا قادرید حداقل با یک زبان خارجی صحبت کنید؟
- آیا در شغل و حرفه خاصی مهارت دارید؟ (به‌جز رانندگی)
- آیا قادر هستید با برخی نرم‌افزارهای کامپیوتری کار کنید؟

(ب) بعد نهادی (مدارک فرهنگی)

- آیا مدرک معتبری در هنر خاصی گرفته‌اید؟
- آیا شما دارای مدرک دانشگاهی در رشته‌ای خاص هستید؟
- آیا در رشته ورزشی خاصی گواهی معتبر دارید؟
- آیا مدرک معتبری در خصوص زبان‌های خارجی دارید؟
- آیا در مورد حرفه‌تان مدرک مهارتی گرفته‌اید؟ (به‌جز رانندگی)
- آیا دارای مدرک معتبری در زمینه کامپیوتر هستید؟

(ج) بعد عینیت‌یافته (وسایل فرهنگی)

- دارابودن کتاب‌های تخصصی مورد نیاز؛
- دارابودن مجلات لازم و ضروری برای مطالعه؛
- دسترسی به اینترنت؛
- دارابودن وسیله ورزشی مورد نیاز؛
- دارابودن وسایل و لوازم هنری که به آن علاقه‌مندید.

تعریف نظری و عملی شادی (متغیر وابسته)

در بخشی از تعاریف مربوط به شادی کوشش شده است تا پدیده شادی با عام‌ترین تعبیرات و مفاهیم، همانند کیفیت زندگی، بهزیستی درونی، سلامتی، سعادت (رفاه)، و ... تبیین شود. مشکل عمده این بخش از تعاریف آن است که اصطلاحات معنی دقیق و روشنی ندارند و گاه از آن‌ها به‌عنوان تعریفی کلی و چترگونه برای تمام زندگی و گاهی برای صفت و مزیتی خاص استفاده می‌شود؛ مثلاً اصطلاح بهزیستی از یک‌سو به کیفیت کلی زندگی دلالت دارد و از سوی دیگر برای ارزیابی جنبه‌های خاص زندگی، همانند وضعیت مسکن یا فرصت‌های

استخدام و ... به کار می‌رود؛ یا مشابه آن، واژه کیفیت زندگی از یک سو به بافت‌های کلی جامعه و از سوی دیگر به برخی از اجزاء جامعه اشاره می‌کند (Veenhoven, 2000: 1-2). در بخش دیگری از تعاریف، مفروضاتی نهفته است که به ارتباط شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه مربوط می‌شود، زیرا از این نظرگاه چنین استدلال می‌شود که «لازم است آنچه مردم در مورد شادی فکر می‌کنند منعکس شود تا از این طریق مفهوم شادی در آن فرهنگ مشخص شود و این به معنای آن است که مردم می‌توانند قضاوت کنند و تعبیری از مفهوم شادی و مصادیق کیفیت زندگی را در قالب فرهنگی و ارزشی خویش ترسیم نمایند» (Lu, 2001: 408-409)؛ این به معنای آن است که تعریف شادی در جوامع و حتی مناطق، متناسب با قواعد اجتماعی و فرهنگی آن مناطق و جوامع، متفاوت است و نمی‌توان از مفهوم شادی عمومی، که در بردارنده ویژگی‌های مشترک باشد، صحبتی به میان آورد.

تعریف شادی

زمانی که از شادی به عنوان احساسی باز و گسترده (broad sense) یاد می‌شود، اغلب مترادف با واژه «کیفیت زندگی» یا «بهبودی» یا «سعادت» (رفاه) است؛ به طوری که، در آن معنا، هدف ترسیم یک زندگی شایسته و نیکو است. درون هر یک از لغات فوق نیز تقسیم‌بندی‌های متعدد شکل گرفته که به منظور آشنایی بیشتر و دستیابی به تعریفی منسجم‌تر، جامع‌تر، و دقیق‌تر از شادی به دو نمونه از آن‌ها، یعنی تقسیم‌بندی زف و وینهون، پرداخته می‌شود. زف، پس از برخی مطالعات تئوری و تجربی، به تقسیم‌بندی اصطلاح سعادت (رفاه) می‌پردازد و در این راستا معتقد است زمانی که شرایط زندگی یک فرد نمره خوب و قابل قبولی از نسخه‌های عینی و درونی (ذهنی) می‌گیرد، زندگی وی در حال پیشرفت و ترقی است و در این جا می‌توان از شادی به معنای بهبودی سخن به میان آورد؛ زمانی که ارزیابی از هر دو نسخه فوق منفی است، می‌توان از محرومیت صحبت کرد؛ هنگامی که کیفیت عینی زندگی مطلوب اما تکامل ذهنی و درونی منفی است، اصطلاح ناهماهنگی یا حتی ناهنجاری مناسب است؛ و، در نهایت، هنگامی که ترکیبی از شرایط نامطلوب عینی و تکامل مطلوب ذهنی در زندگی مورد قضاوت است، واژه انطباق و سازگاری (adaption) به کار می‌رود (Veenhoven, 2000: 4).

وینهون نیز برای این که بتواند به معنای دقیق شادی در تحقیقات خود دست یابد، از واژه کیفیت زندگی مدد می‌گیرد و سپس، براساس برخی استدلال‌ها و تقسیم‌بندی‌ها، معنای

دریافتی خود را بیان می‌کند. او در این راه، از یک‌سو، بین فرصت‌های زندگی (life chances) و خروجی‌ها یا پیامدهای زندگی (life results) و، از سوی دیگر، بین دو مفهوم کیفیت بیرونی (outer qualities) و کیفیت درونی (inner qualities) تمایز قائل می‌شود و تقسیم‌بندی خود را این‌چنین بیان می‌کند:

تقسیم‌بندی وینهون از کیفیت بیرونی و درونی و فرصت‌ها و خروجی‌های زندگی

کیفیت درونی	کیفیت بیرونی	
توانایی‌های زندگی (life ability)	قابلیت زندگی (livability)	فرصت‌های زندگی
رضایت از زندگی (satisfaction with life)	سودمندی زندگی (utility of life)	خروجی‌های زندگی

منبع: Veenvhoven, 2005: 463

وینهون در جدول فوق، به‌لحاظ کلی، بین فرصت‌های (بخت و شانس‌های) زندگی و پیامدها و نتایج آن فرصت‌ها در زندگی واقعی تمایز قائل می‌شود و تفاوت بین فرصت برای زندگی خوب و زندگی فی‌نفسه واقعی را زندگی به‌صورت بالقوه (استعداد) و بالفعل (واقعی) (potentiality & actuality) نام‌گذاری می‌کند. از نظر وی، اولی به تمامی امکاناتی (محیطی و شخصی) اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند با استفاده از آن‌ها به کیفیت در زندگی برسد و دومی به واقعیت‌های زندگی موجود اشاره دارد که شخص، براساس امکانات فوق، آن را پدید آورده و ساخته است. به اعتقاد او، اگرچه فرصت‌ها و خروجی‌ها با هم مرتبط‌اند، به‌طور خاص همسان و مشابه نیستند؛ از سوی دیگر، کیفیت بیرونی مربوط به محیط و کیفیت درونی مربوط به اشخاص است. لن (Lene) این تفاوت را با عنوان کیفیت جامعه (quality of society) و کیفیت افراد (quality of persons) بیان می‌کند و مشابه آن ماسچنگا (Musschenga) مفاهیم فوق را کیفیت شرایط زندگی و کیفیت موجود می‌نامد (Veenhoven, 2000: 4-5).

برای اندازه‌گیری شادی شیوه‌های گوناگونی به‌کار برده شده است؛ در اولین پژوهش‌ها برای سنجش آن از پرسش مستقیم «چقدر شاد هستید» استفاده می‌شد. این پرسش دارای سه گزینه «خیلی شاد، تاحدی شاد، و ناشاد» بود. گورین، وروف، و فلد (Gurin, Veroff, & Fled) (۱۹۶۰) و برادبورن و کپلوویتز (Caplovitz) (۱۹۶۵) و نیز بسیاری از بررسی‌های انجام‌شده برای اندازه‌گیری شادی از همین روش بهره گرفته‌اند. در این پژوهش شادی متشکل از سه بعد احساسی، شناختی، و اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش

تحصیلات

متغیر تحصیلات یکی از متغیرهای زمینه‌ای ما در این پژوهش است که توزیع افراد جامعه را براساس این متغیر می‌توانیم در جدول زیر ببینیم:

جدول ۱. توزیع افراد برحسب سطح تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
ابتدایی	۱	۰/۵	۰/۵	۰/۵
راهنمایی	۱۶	۰/۸	۰/۸	۸/۵
دبیرستان و دیپلم	۱۰۶	۵۳/۰	۵۳/۰	۶۱/۵
فوق دیپلم	۲۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۷۴/۰
کارشناسی	۴۵	۲۲/۵	۲۲/۵	۹۶/۵
کارشناسی ارشد	۷	۳/۵	۳/۵	۱۰۰/۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

در این متغیر داده گمشده نداریم؛ بنابراین ستون ۳ و ۴ مشابه‌اند. حدود ۱۰۲ نفر از پاسخگویان در این پژوهش تحصیلات دبیرستان و دیپلم دارند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میزان، با ۱ نفر، مربوط به سطح ابتدایی است.

جدول ۲. توصیف شادی و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بعد شناختی	۲۰۰	۵۶/۶۴	۱۶/۷۸
بعد احساسی	۲۰۰	۵۱/۸۳	۱۸/۹۴
بعد اجتماعی	۲۰۰	۵۵/۶۱	۱۷/۱۲
شادی	۲۰۰	۵۴/۵۳	۱۴/۱۹

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد میانگین شادی در بین زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان ۵۴/۵۳ با انحراف استاندارد ۱۴/۱۹ است که در تقسیم‌بندی شادی به سه سطح بالا، متوسط، و پایین، ۷/۳ درصد از زنان جوان شادی پایین، ۷۱/۴ درصد شادی متوسط، و ۲۱/۳ درصد شادی بالا دارند.

جدول ۳. سرمایه فرهنگی و شادی

وابسته				متغیر	
شادی	بعد اجتماعی	بعد شناختی	بعد احساسی		
۰/۲۷۵	۰/۲۲۰	۰/۲۳۰	۰/۲۲۹	مهارت فرهنگی	مستقل
۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰		
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰		
۰/۲۴۸	۰/۱۴۹	۰/۲۳۷	۰/۲۰۸	مدارک فرهنگی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰		
۰/۳۱۰	۰/۲۰۶	۰/۲۸۴	۰/۲۵۵	وسایل فرهنگی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰		
۰/۳۳۷	۰/۳۲۳	۰/۳۰۶	۰/۲۸۰	سرمایه فرهنگی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰		

براساس نتایج به دست آمده در جدول فوق، بین دارا بودن سرمایه فرهنگی و شادی زنان جوان ارتباط مستقیم وجود دارد ($r = 0/337$ و $p = 0/000$) و هرچه بر سرمایه فرهنگی زنان جوان افزوده می‌شود، شادی آنها نیز افزایش می‌یابد. در این بین، ارتباط سرمایه فرهنگی با بعد شناختی شادی قوی‌تر از سایر ابعاد است ($0/306$). شایان ذکر است که از یک سو دارا بودن وسایل فرهنگی ($0/284$) و از سوی دیگر مهارت فرهنگی و وسایل فرهنگی نیز دارای ارتباط قوی‌تری با بعد شناختی شادی نسبت به سایر ابعاد هستند.

نتیجه گیری

میانگین شادی در بین زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) شهر اصفهان $0/53/54$ ، با انحراف استاندارد $0/19/14$ ، است که در تقسیم‌بندی شادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین، $0/3/7$ درصد از زنان جوان دارای شادی پایین، $0/4/71$ درصد دارای شادی متوسط، و $0/3/21$ درصد دارای شادی بالا هستند. همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، شادی در پژوهش حاضر در سه بعد مورد بررسی قرار گرفت؛ در بعد احساسی کمترین مقدار پاسخگویی

مربوط به احساس خوشحالی و احساس لذت از وضعیت موجود بود و بیشترین پاسخ‌ها به سؤالات احساس زیبا دیدن جهان و آنچه در آن است و احساس افتخار به خود مربوط می‌شود. میانگین بعد احساسی شادی، ۵۱/۸۳، با انحراف استاندارد ۱۸/۹۴، است که در مقایسه با ابعاد دیگر، رقم بالاتری به خود اختصاص داده است. در بعد شناختی (رضایت از کلیت زندگی و بخش‌های آن) کمترین مقدار مربوط به رضایت از کلیت زندگی در قیاس با گذشته فرد، حالت ایده‌آل، دیگران هم‌ردیف در سابق، و درآمد فعلی است و بیشترین مقدار به رضایت از همسر و کیفیت و میزان تغذیه اختصاص دارد. همچنین میانگین بعد شناختی ۵۶/۶۴، با انحراف استاندارد ۱۶/۷۸، است که در مقایسه با ابعاد دوگانه دیگر، رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. در بعد اجتماعی نیز بالاترین میزان پاسخ‌گویی مربوط به سؤالات علاقه به انسان‌های دیگر، دوست داشتن آن‌ها، و تأثیر بر انسان‌های دیگر و کمترین میزان مربوط به گویه‌های علاقه به شرکت در جشن‌ها و میهمانی‌های همسایگان و آشنایان و کنترل ناراحتی هنگام بروز اتفاقات ناخوشایند در برخورد با دیگران است. میانگین بعد اجتماعی شادی ۵۵/۶۱، با انحراف استاندارد ۱۷/۱۲، است که رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. انحراف استاندارد ابعاد متعدد شادی نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری شادی در بعد احساسی، سپس بعد اجتماعی، و در نهایت بعد شناختی است.

میانگین سرمایه فرهنگی ۲۷/۵۷، با انحراف استاندارد ۲۰/۵۲، است و ۶۳/۲ درصد زنان جوان دارای سرمایه فرهنگی پایین، ۳۳/۱۸ درصد سرمایه فرهنگی متوسط و ۴ درصد دارای سرمایه فرهنگی بالا هستند. میانگین مهارت فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته) ۳۱/۸۹، با انحراف استاندارد ۲۴/۰۹، و میانگین وسایل فرهنگی (سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته) ۳۱/۶۸، با انحراف استاندارد ۲۷/۴۳، و میانگین مدارک فرهنگی (سرمایه فرهنگی نهادی) ۱۹/۱۶، با انحراف استاندارد ۲۲/۶۷، است. بر این اساس مهارت فرهنگی دارای بیشترین فراوانی و مدارک فرهنگی دارای کمترین فراوانی هستند. از سوی دیگر، وسایل فرهنگی دارای بیشترین نابرابری و مهارت فرهنگی دارای کمترین نابرابری در بین زنان جوان است. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، در حیطه مهارت‌های فرهنگی، بیشترین میزان در مهارت‌های شغلی و کمترین آن در انجام ورزش حرفه‌ای به صورت مستمر است؛ در حیطه مدارک فرهنگی بیشترین مقدار در مدارک حرفه‌ای و شغلی و کمترین میزان مربوط به زبان‌های خارجی است؛ و در حیطه وسایل فرهنگی کمترین

میزان مربوط به لوازم ورزشی و کتاب‌های تخصصی و بیشترین آن مربوط به دارابودن کامپیوتر است. شایان ذکر است که تعداد قابل توجهی از افرادی که دارای مهارت فرهنگی هستند، فاقد مدرک در آن زمینه می‌باشند.

سرمایه فرهنگی و شادی ارتباطی مستقیم دارند و این ارتباط، در بعد شناختی، سپس، در بعد احساسی، و، در نهایت، در بعد اجتماعی شادی، قوی‌تر است. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر در بعد وسایل فرهنگی، سپس مهارت‌های فرهنگی، و، در نهایت، مدارک فرهنگی است.

منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). *روان‌شناسی شادی*، ترجمه مسعود گوهری انارکی، حمید طاهر نشاط دوست، حسن پالانگ، و فاطمه بهرامی، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- آل‌یاسین، م (۱۳۸۰). «شادی و نشاط در محیط مدرسه»، تربیت، ش ۱.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵). «بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی/اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- تقی‌زاده، کبری (۱۳۸۵). «بررسی رابطه رضایت شغلی با شادمانی و سرزندگی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان.
- رمضانی، محمد (۱۳۸۴). «تبیین رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بخش اسناد دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران.
- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان در شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰.
- شکوری، علی (۱۳۸۳). *خرده‌فرهنگ و سبک‌های زندگی جوانان در شهر تهران*، سازمان ملی جوانان، پژوهشکده ملی مطالعات جوانان.
- طاهریان، م (۱۳۸۱/۱۰/۲۱). «چرا شادی از جامعه ما رخت بر بسته است»، *روزنامه اعتماد*.
- طریقه‌دار، الف (۱۳۷۹). *شرع و شادی*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۱). «بررسی و مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فرد بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آب. شهر اصفهان»، پایان‌نامه دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- قرائی مقدم، امان‌الله (۱۳۷۷). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: ابعاد.
- مرادی، مریم (۱۳۸۳). «بررسی جایگاه، اهمیت و تأثیرات شادمانی در تعلیم و تربیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- مظفر، ح (۱۳۷۹). «اثر نشاط روحی بر شکوفایی خرد»، تربیت، ش ۷.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲). «آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی»، *رشد علوم اجتماعی*، ش ۳.
- هاشمیان‌فر، جمشید (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

- Diener, E. & R. Lucas (2000). "Explaining Differences in Societal Levels of Happiness". *Journal of Happiness Studies*, No. 1.
- Lu, L. (2001). "Understanding Happiness: A Look Into the Chinese Folk Psychology", *Journal of Happiness Studies*, No. 2.
- Mayers, D. (2000). "The Friends and Faith of Happy People", *American psychologist*.
- Tkach, C & S. Lyubomirsky (2006). "How do people pursue happiness", *Journal of Happiness Studies*, No. 7.
- Uchida, Y, V. Norasakkunkit, & S. Kitayama (2004). "Cultural Constructions of Happiness Theory and Empirical Evidence", *Journal of Happiness Studies*, Vol. 5.
- UNESCO (1982). "Final Report of World Conference on Cultural Policies", Organized by UNESCO in Mexico City, 20 July-6 August.
- Veenhoven, R. (2000). "The Four Quality of Life: Ordering Concepts and Measures of Good Life", *Journal of Happiness Studies*, No. 1.
- Veenhoven, R. (2005). "Return of Inequality in Modern Society, Test by Dispersion of Life Satisfaction Across Time and Nations", *Journal of Happiness Studies*, No. 6.